



سرخط

رهبر انقلاب اسلامی در سخنرانی خود به مناسبت میلاد پیامبر عظیم الشان اسلام نکاتی راجع به ابتکار بزرگ امام "هفته وحدت" عنوان کردند:

حفظ عقاید هر مذهب در کنار اتحاد در جهت گیری های کلی

من میخواهم عرض بکنم که متأسفانه خیلی از دولت های مسلمان و خیلی از مخاطبین واقعی، اهمیتی این ابتکار را درک نکرده اند، لکن دشمن اهمیتی این را درک کرد؛ دشمن فهمید که این توصیه ای امام راحل که اتحاد فرقی اسلامی است در جهت گیری های کلی - عقایدشان برای خودشان باشد؛ هر کسی برای خودش عقاید و مناسک خودش را داشته باشد - چقدر برای امت اسلامی اهمیتی دارد و چقدر نفوذ دشمن را در آنها کم می کند؛ چون دشمن این را فهمید، شروع کرد به برنامه ریزی بر ضد این حرکت. دشمن برنامه های عملیاتی ای را در مقابله با پیام وحدت امام بزرگوار انجام داد؛ از جمله ایجاد مراکزی برای تولید اندیشه های ضدتقریبی؛ [در مقابل آنچه ما میگوییم تقریب فرقی اسلامی.

در ادامه بخوانید

- مرور سریع و سریع بر انتخابات آمریکا
به قلم محمود مرادی | صفحه دوم

- اهمیت انتخابات آمریکا!
به قلم فاطمه هادی | صفحه دوم

- حیوان، حیونه؛ چه فیل باشه چه الاغ
به قلم علیرضا گلستانی | صفحه سوم

- چهل و یک سال پیش از اسال
به قلم محمدحسین فاتحی | صفحه سوم

- از اسلام هراسی تا ادعای حقوق بشر
به قلم محمد قانونی | صفحه سوم

- جان پدر کجاستی؟
به قلم محمد فدایی فتوت | صفحه چهارم

- دهه محسنیه توافق یا تقابل با وحدت
به قلم محدثه نوبتی | صفحه پنجم

- لا اِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
به قلم علی اصغر رضوانی | صفحه پنجم

- بسیج؛ لشکر مخلص خدا
به قلم محمدهادی فتح اللهی | صفحه پنجم

- و ما ارسلناک الّا رحمة للعالمین
به قلم ادریس واحدی | صفحه ششم

بحث روز

انتخابات آمریکا در حالی هفته گذشته به پایان رسید که بسیاری در داخل کشور برای معیشت مردم چشم به نتیجه این انتخابات دوخته اند:

مغزهای کوچک زنگ زده

آمریکا، آمریکاست و آمریکا خواهد ماند. آمریکا تغییرپذیر نخواهد بود. روسای جمهور آمریکا از نظر جنس، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. فقط دوز ذالت شان باهم متفاوت است و به فرمایش مقام معظم رهبری مدظله العالی هرکه آمد شر رساند و هرکس بیاید قطعاً شر می رساند.

آمریکا روی کشور ما تأثیر دارد. آمریکا با تحریم دارویی، غذایی، تسلیحاتی و... با اجرای نقشه ها و توطئه ها و کودتاهای شوم علیه جمهوری اسلامی، با ترور دانشمندان هسته ای، با ترور سردار حاج قاسم سلیمانی و... بر تمام عرصه های کشور ما تأثیر دارد. منکر تأثیر آمریکا بر ایران نیستیم. این تأثیر وجود دارد و تا زمانی که آمریکا وجود دارد این تأثیر هم وجود خواهد داشت.

آمریکا بر ایران تأثیر دارد اما مسئله اینجاست که این تأثیر منفی است. یعنی هیچگاه ما تأثیر مثبتی از سوی آمریکا بر ایران ندیدیم و نخواهیم دید. آمریکا بر ایران تأثیر دارد اما انتخابات آمریکا بر ایران تأثیری نخواهد داشت.

- ادامه مغزهای کوچک زنگ زده ...

به قلم محمد مهدی انتظار | صفحه سوم

یادداشت سردبیر

امروز شنبه ۲۴ آبانماه ۱۳۹۹ اولین روز کلاسی دانشجویان جدید ورود و آغازی بر زندگی دانشجویی خواهد بود:

دانشجو سلام! خوش آمدی به مذاهب

احتمالاً الان بزرگترین دغدغه شما فهمیدن تفاوت بین کلمات امامیه و شافعی و حنفی در پسوند رشته هاتون یا رشته های دوستان تونه و احتمالاً نصف بیشترتون حتی نمی دونستید مذهبی که دارید امامیه است و الان نگران این هایید!

بگذار بگم! زندگی قبل تمام شد! و شما وارد دنیای جدیدی شدید! دنیایی که در آن دیگر قرار نیست ساعت ۷ صبح از خواب بیدار بشید و هراسان دنبال لنگه جورابتون بگردید! تا دم در مدرسه درس های امروز را مرور کنید و ناخن هاتون رو را کوتاه کرده باشید که ناظم مدرسه ممکن است چکشان کند! انتخاب دنیای الان خوب یا بد، با کنکور یا با سوابق تحصیلی، با علاقه یا از سر اجبار «دانشگاه مذاهب اسلامی» ست و شما وارد یک دنیای جدید شدید!

دنیایی که الزاماً درس خواندن دلیلی برای کسب نمره بالا نیست و همین طور درس نخوندن هم معنایش تنبلی و نمره های پایین نیست! دنیایی که دیگه به شخصی که جلوی تابلو ایستاده و تدریس می کند آقا یا خانم نمی گند! گوشه حیاطش بوفه نداره که اگر از خانه غذا نیارید از اونجا تی تاب بخرید! دیگه درون کیفتون لیوان برای آب خوردن نیاز نیست و احتمالاً دیگه کسی ابروهاتون را سر صف چک نمیکنه که کم یا زیاد شده باشه!

آداب دانشجو بودن و اینکه مثلاً ساعت چند باید توی کلاس حاضر باشیم و کی باید کلاس را تعطیل کنیم یا چه درسی با چه استادی را باید برداریم که در پایان ترم نمره خوبی داشته باشیم، اینکه آیا از الان نگران کنکور ارشد باشیم یا نه! و... مسائلی نیست که با خوندن بتونید متوجه بشید و به مرور یاد می گیرید! هرچند بودند کسانی که ۸ ترم درس خوندند و رفتند و یاد نگرفتند... پس بگذارید براتون از مذاهب بگم، که اگر کسی ازتون پرسید چه دانشگاهی قبول شدید سرتون رو بالا بگیرد و جوابش رو با افتخار بدید!

اساسنامه دانشگاه مذاهب اسلامی سال ۱۳۷۱ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می رسه و از اون سال فراز و فرودهای بسیاری را تجربه می کنه تا الان بدست من و شما رسیده! افرادی که قراره در آینده این دانشگاه نقش داشته باشیم! نقشی که ممکنه تأثیر گذار باشه (مثلاً استاد دانشگاه مذاهب اسلامی) و یا زیاد تأثیر گذار نباشه (مثلاً خاطراتمون از دانشگاه را برای بقیه تعریف کنیم) در هر صورت ما الان مسافران کشتی ای هستیم که پیش از ما ۲۷ بار مسافر عوض کرده! مسافرانی که بعضی رفتند و خاطرات خوش برایشان باقی ماند و برخی ماندند و سگان دار کشتی شدند! کشتی ای که بنا به حرف حضرت آقا باید روزی در بلندترین درجات علمی کنار دانشگاه هایی مثل الازهر قرار بگیره و رسوندن دانشگاه به اون جایگاه وظیفه من و شماست!

چند مورد را پیش فرض خود داشته باشید! اولاً این که هیچ کس شما را نه سنی می کند و نه شیعه! و اساساً چنین چیزی هیچ وقت در دانشگاه رخ نداده و رخ هم نخواهد داد! این جا بدنال تغییر مذهب و عقائد نیستیم و فقط قرار است کنار هم دیگه به تحصیل بپردازیم و درجات رشد شخصی و گروهی را طی بکنیم. ثانیاً این که دانشگاه ما فعلاً نه دولتی و نه غیردولتی در تعریف این جا باید گفت دانشگاه نیمه متمرکز وابسته به مرکز جهانی تقریب مذاهب اسلامی و توی تعریف نیمه متمرکز هم باید به مثال دانشگاه هایی مثل امام صادق رجوع کرد که نه از دانشجو پول می گیرند و نه به اون ها مدرک دولتی می دهند! البته اتفاقات خوبی در این زمینه بزودی رخ خواهد داد... ثالثاً اگر رشته شما فقه و حقوقه از الان بدونید که دروس حقوقی شما کمه و برای شرکت در آزمون وکالت و قضاوت نباید فقط به منابع مطالعاتی در دانشگاه بسنده کنید! رابعاً اینکه درس خوندن توی دانشگاه مذاهب اسلامی مثل زندگی کردن توی ایران می مونه تا وقتی که با عینک خود تحقیر پنداری نگاه کنیم بدبخت ترین کشور و بدبخت ترین مردمیم و از اون لحظه ای که تصمیم بگیریم روبه جلو حرکت کنیم خوش بخت ترین هاییم! توی این دانشگاه بودند اساتید و دانشجویانی که وقتی فارغ التحصیل شدند روز عزا شون بود و بودند دانشجویان و اساتیدی که خداحافظی از دانشگاه سخت ترین اتفاق زندگی شون شد! پس دست خودمونه می تونیم هرطور دوست داریم با این دانشگاه بزرگ بشیم و چهارسال از زندگی مون را بگذرونیم.



نوسته دانشجویی

مرور صریح و سریع بر انتخابات آمریکا

بیان اول: غرب به صورت کلی چهار دوره زمانی را پشت سر گذاشته است:

یکم قبل از میلاد حضرت مسیح (ع): در این زمان یا چند خداپرستی (بخوانید جن پرستی) حاکم است، یا کیهان مداری (کاسموسانتریسم)

دوم قرون وسطی یا سده‌های میانه: به برکت حضرت مسیح (ع) نگاه‌های غیر رحمانی تا حد زیادی کنار می‌رود. اگر چه پولس‌های زمان، شرک را چاشنی مسیحیت می‌کنند.

سوم مدرنیسم: در حدود سده‌های ۱۳ و ۱۴، بشر غربی تصمیم به مدرن شدن می‌گیرد (مدرن نه به معنای محدود آن که به انقلاب صنعتی اطلاق می‌شود؛ بلکه به مثابه تفکر) تعریف مدرنیسم را به یک صاحب نظر این حوزه می‌سپاریم آنجا که می‌گوید: «روح غرب‌مدرن، اومانیزم یا اسم نفس اماره است» در جهان بینی غرب‌مدرن، سوزن پرگار که تا حدی روی مفهوم خدا بود به انسان منتقل می‌شود. دیگر انسان ملاک همه چیز است و جهان و خدا در انتظار تصاحب به واسطه‌ی آن اند. نوزایی یا همان رنسانس را که گذار انسان غربی (غرب به مثابه تفکر و نه صرفاً سرزمین) نامیده اند -همانطور که خود نیز معترف اند- در واقع بازگشت به همان نشانه‌های قبل از مسیحیت ولی با نگرشی تازه است.

چهارم پست مدرنیسم: انسان غربی نتیجه مدرنیسم را در جنگ جهانی اول می‌بیند. جنگی که آن را جنگ بزرگ می‌نامند. جنگی که علاوه بر طرفین دعوا، کشورهای بی‌طرفی چون ایران را با میلیون‌ها کشته که آن را تا ۱۰ میلیون ذکر کرده اند بی نصیب نگذاشت.

جهان پست مدرن از دل جبهه‌های جنگ جهانی اول سر بر می‌آورد. دیگر سوزن پرگار حتی از روی نام انسان هم می‌لغزد. دیگر معنا متکثر است، حقیقت مطلق وجود ندارد. انسان غربی از این تپی (مدرنیسم) که داشت عبرت نگرفته و دچار تشنج (پست مدرنیسم) شد. البته به سوی اغمائی پس از آن (ترانس مدرنیسم) نیز گام بر می‌دارد.

بیان دوم (مصدق): تاریخ آمریکا:

در انتهای قرن پانزدهم در غرب جماعتی وارد سرزمین ملتی دیگر می‌شوند و این عمل را کشف قاره آمریکا می‌نامند.

با توسل به زور تلاش به برده سازی این جماعت می‌کنند و آنگاه در می‌یابند که سرخپوستان همانند رمه‌های اروپایی رام شدنی نیستند. عبارت <<یک سرخپوست خوب، سرخپوست مرده است>> قوت می‌گیرد. نتیجه آنکه تاریخ نویسان قتل عامی تا ۷۵ میلیون سرخپوست آمریکایی را تخمین می‌زنند. آمریکا بدون برده معنا ندارد، حال وقت شکار آفریقاییان مستعمره نشین و به بردگی کشاندن آن هاست. این باری گدار به آب نمی‌زنند. مبلغین (مبیسونرها) مسیحی سال‌ها قبل وارد این سرزمین ها شده و زمینه فکری برده شدن را فراهم می‌آورند. حتی انجیل کینگ جیمز این کشیشان را همراهی می‌کند. این امر درحالی است که استعمارگران، دین را در داخل مرزها تا حد زیادی کنار گذاشته اما آن را برای مستعمرات خود تجویز می‌کنند!

در میان نزاع امپراطوری ها و استعمارگران زمان مانند انگلیس و فرانسه و اسپانیا لژهای ماسونی تازه مستقر در آمریکا با لژهای اروپایی تراحم منافع پیدا کرده اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶ از طرف افرادی که بعدها پدران بنیان گذار آمریکا (که عده ای خود تاجر برده بودند) نامیده می‌شوند انتشار می‌یابد. البته به رسمیت شناختن ایالات متحده آمریکا نیازمند ۱۲ سال جنگ است.

پس از چند جنگ دیگر در سال ۱۸۲۲ بنابر دکترین مونرو آمریکا سیاست انزوا طلبی را در برابر سایر استعمارگران برمی‌گزیند. البته این امر مانع از جنگ‌های داخلی خاک قاره ای نیست. از جنگ‌هایی چون تهاجم به مکزیک که منجر به تصاحب تگزاس توسط آمریکا شد گرفته تا جنگ داخلی آمریکا بین ایالت‌های شمالی (فدرالیست) و جنوبی (کنفدرالیست) بر سر نحوه استثمار سیاهان. اکنون در سال ۱۹۱۷ یعنی سه سال پس از شروع جنگ جهانی اول هستیم: سیاست مونرو کنار گذاشته می‌شود. آمریکا در سال آخر جنگ به سبب طمع کسب غنیمت به جنگی که هیچ ربطی به آن نداشت ورود پیدا می‌کند. او می‌داندست که ملتش این جنگ بی ربط را نمی‌پذیرند، از چند سال قبل به واسطه سینما و سایر ابزار رسانه ای مردم را قانع کرد.

این امر با تمسک به یادآوری وظیفه دینی ملت آمریکا در قبال جنگ اروپا (!) و با عباراتی چون «اگر در اروپا نجنگید مجبور به نبرد در خاک خود هستید» صورت پذیرفت. مردم هم غافل از آنکه امکانات تدارکاتی (لجستیکی) جنگی اجازه به چنین امری نمی‌داد شادمانه، آن را پذیرفتند. اگرچه سربازان آمریکایی تکه تکه شدند اما ثروت ناشی از جنگ و خصوصاً دور بودن آمریکا از میدان مبارزه به مذاق صاحبان قدرت خوش آمد. این طمع تا بدانجا پیش رفت که امروزه بر اثر حجم تهاجم‌های آمریکا، این جنگ‌ها را می‌توان بر اساس حروف الفبای مبتنی بر کشور هدف دسته بندی کرد. (همان گونه که شده است)

می‌توانستیم نحوه وضعیت غیر منطقی سیستم رأی دهی یا تاریخ حق رأی سفیدان درجه یک، سفیدان درجه دو، زنان و سیاهان در آمریکا را بررسی کنیم و یا از تاریخچه کوکلس کلان‌های کت و شلوار می‌توانستیم مطالبی را بیان کنیم؛ اما ما با دو بیان بالا یعنی توجه به ماهیت غرب و یکی از مصادیق آن یعنی ایالات متحده آمریکا در واقع نگاهی سریع در خور حال، به ریشه‌های انتخابات آمریکا که آمریکای امروز است داشتیم. روح آن که مجله تایم از آن به عنوان واقعیت آمریکایی یاد می‌کند. آن چیزی که سعی شد سریع و صریح بدان پرداخته شود.

دانشجوی ادیان و مذاهب دانشگاه | محمود مرادی

نوسته دانشجویی

اهمیت انتخابات آمریکا!

ایران از زمان دور همیشه با کفشار لیبرالیسم دست و پنجه نرم کرده به‌گونه‌ها و روش‌های مختلف... مرور تاریخ همیشه در بزنگاه‌ها پرخطر ما را نجات میدهد از تقی‌زاده دوران مشروطه بگیرد که اتفاقاً روحانی‌زاده هم بوده ولی برخلاف میل پدر مخفیانه به یادگیری علم نوین می‌پردازد و بعد از فوت ایشان رها گشته به سمت و سوی علاقه خود غرب‌گرایی می‌رود تا همین امروز که اشخاصی در لباس روحانیت را با همین تمایلات میتوانیم ببینیم... جالب است که وجه مشترک تمام غربی‌ها و غرب‌زده‌ها علی‌رغم اینکه حرف از حقوق بشر می‌زنند، در عمل بسیار وحشیانه عمل می‌کنند... حال گاهی دست‌اندازی در جان افراد و گاه در اقتصاد و گاه در فرهنگ و گاه همه این‌ها باهم...

مهم‌ترین عامل انحراف مشروطه، غرب‌گرایی و تفکرات لیبرالیستی بود و بعد از دهه نخست انقلاب اسلامی به‌مرور رنگ لیبرالیست در مسئولین پررنگ‌تر شد و هر دولتی که بر سرکار آمد رنگ غرب‌گرایانه‌اش بیشتر و وقیحانه‌تر شد، به‌حدی که تمام مشکلات کشور را گره زدند به غرب و مذاکرات، مشکلات اخیر کشور در اقتصاد و معیشت واقعا توجیهی ندارد، این مشکلات با کمی مدیریت قابل حل است، اما تفکر لیبرالی چالش بزرگ امروز کشور به‌حساب می‌آید که آینده نظام را تهدید می‌کند.

در جریان مشروطه نیز جریان غرب‌گرا و لیبرالیست که اقلیت هم بودند، حاکمیت پیدا کردند و امروز نیز همان جریان با زور تبلیغات و رسانه‌ها و هیاهوهای خاص این عصر تلاش دارند تا مجدداً بر اکثریت حاکمیت پیدا کنند...

در این چند روز اخیر دیدید که این جریان‌ها چگونه روزگار مردم ایران را به انتخابات یک کشوری با فاصله ۱۱ هزار کیلومتر آن‌طرف‌تر گره زدند و چگونه همه مردم را در فضای روزمرگی‌شان درگیر با نتیجه اتفاقی کردند که، چه این شخص بشود و چه آن شخص به ما ارتباطی ندارد و در سیاست کلی ما با آمریکا و کدخدا دوستان ذره تغییری ایجاد نمی‌کنند... مردم خود به‌خوبی بی‌بهره بودن برجام و کینه آمریکایی‌ها در شهادت سردارمان را با عمق جان حس کردند و نگاهشان به غرب برخلاف مسئولینی است که هنوز چشم امید به اشخاص غربی و کاخ به‌ظاهر سفیدشان دارند...

ایران قدرت اول منطقه رو به قله پیشرفت فقط درگیر با موانعی چون لیبرالیستی است که سردمداران‌ش در حال انهدام و سقوط قطعی‌ست و شما این را در انتخاباتی که گذشت و جریان‌ات‌ش به‌وضوح میتوانید حس کنید...

وظیفه ما در این شرایط فقط بصیرت و روشنگری‌ست؛ چه اگر در دوران مشروطه مومنین و روشنفکران متعهد با هم میدان می‌گذاشتند تفکر کثیف غرب‌زده چنگ به زندگی مردم نمی‌زد و ذلت را بر آنان تحمیل نمی‌کرد...

نکند باز با عقب‌نشینی اسلام‌گراها در چنگال تروریست‌پرو‌هایی همچون تقی‌زاده‌ها با اسم مدرنیته گرفتار آییم...

دانشجوی ادبیات عرب دانشگاه | فاطمه هادی

ارجاعات این نوشته را در سایت نشریه مطالعه نمایید



نوسته دانشجویی

حیون، حیونه؛ چه فیل باشه چه الاغ

این روزها حرف خیلی‌ها، انتخابات آمریکا شده اما آیا فرقی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواه‌ها وجود دارد؟ یا بهتره بگویم برای مردم ایران و بقیه کشورهای منطقه تفاوتی بین بایدن دموکرات و ترامپ جمهوری خواه می‌کند؟

برای پاسخ به این سؤال باید نگاهی به اقدامات گذشته این دو حزب و این دو نامزد بیندازیم.

در انتخابات سال ۲۰۱۶ دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا انتخاب شد. در زمان ریاست جمهوری ترامپ، آمریکا به صورت رسمی از توافق نامه برجام خارج شد (کاری دور از عرف دیپلماسی بود) و بعد از آن با اعمال تحریم‌های اقتصادی فشارحداکثری را به ملت ایران تحمیل کرد. پیش از ترامپ، باراک اوباما دموکرات هم با نقض‌های متعدد به صورت غیررسمی از برجام خارج شده بود و به گفته خیلی از کارشناسان، بیشترین تحریم‌ها علیه ایران در زمان اوباما صورت گرفت. در شب سیزدهم دی ماه ۱۳۹۸، حاج قاسم سلیمانی در فرودگاه بغداد توسط بالگردهای ارتش آمریکا به شهادت رسید. این اقدام ارتش آمریکا با دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ انجام شد که این در نوع خود بی سابقه بود.

اما جالبه بدانید جو بایدن رقیب ترامپ در بیانیه شب شهادت حاج قاسم چنین می نویسد: «هیچ آمریکایی ای در مرگ قاسم سلیمانی عزاداری نمی کند. او مستحق مرگ بود.»

داعش؛ بزرگترین گروه تروریستی بود که حاج قاسم با یارانش در مقابل این گروه ایستادند و دولت آن را از منطقه برچیدند. درحالی که داعش در زمان دولت اوباما (هم حزبی بایدن) توسط آمریکایی ها تشکیل شد. کلیتون و زیرخارجه اوباما در کتاب خاطراتش از سفر به ۱۱۰ کشور جهان بابت تشکیل داعش سخن به میان آورده است.

باید به این نکته دقت کنیم که دولت مردان دموکرات آمریکا داعش را به وجود آوردند و دولت مردان جمهوری خواه، فرماندهی مبارز با داعش (سردار سلیمانی) را به شهادت رساندند.

شهید حاج قاسم سلیمانی: «من اعتقاد اینه در آمریکا مثل حزب بعث هست، آنجا در عراق اسمش حزب بعث بود در این‌جا (آمریکا) اسمش حزب جمهوری خواه و دموکراته. چرا؟ چون در عراق هیچ‌کس جز حزب بعث نمی‌توانست رئیس بشود؛ در آمریکا هم هیچ‌کس نمی‌تواند جز حزب جمهوری خواه و دموکرات رئیس‌جمهور بشود.»

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | **علیرضا گلستانی**

نوسته دانشجویی

چهل و یک سال پیش از امسال

در بحبوحه جنگ سیاسی بین ریگان و کارتر در چهل و یک سال قبل، در هیچ کجای دنیا به هیچ وجه فضای انتخاباتی ایالات متحده به چشم نمی‌خورد و مرکز توجه کل دنیا، تهران منطقه جماران بود، در روزهای قبل از شروع میتینگ‌های انتخاباتی، جوانی خمینی دست به کاری زده بودن که هیچ گروه یا هیچ نیروی نظامی از هر ملتی جرئت انجام این کار و یا حتی جرئت موضع گیری در قبالش را هم نداشت، اما امام خمینی(ره) در سخنرانی قاطع از فاتحان لانه جاسوسی کشور تروریستی آمریکا حمایت و کار آنها را ارزشمند و هدفمند خواند و با صدای بلند در هزاران کیلومتر دورتر از ایالات متحده فرمودند: کارتر دیگر نمی‌تواند رئیس جمهور آمریکا بشود...

تمام سیاست مداران جهان منتظر این بودند که سناتورهای آمریکایی آزاد می‌شوند یا نمی‌شوند و اصل صحبت‌های انتخاباتی دو نامزد درباره این قسمت از کره خاکی بود.

اما در ۱۳ آبان ۹۹ و چهل و یک سال بعد از آن برخی جریان‌های سیاسی، کاری کردند که این بار نگاه تمام کشورمان به انتخابات آمریکا است! که مردم ببینند ادامه اقتصاد کشورشان در انتظار چه مردی در راس ایالات متحده است؟! آیا تئوری سیاست‌های ما در رابطه با آمریکا فرق کرده است؟ کجای کار اشتباه کردیم که با وجود صحبت قاطع رهبر انقلاب درباره تغییر نکردن سیاست‌های ما در برابر آمریکا در زمان ریاست هر فردی بازهم تمام اخبار کشورمان حول انتخابات آمریکا است؟

سیاست جمهوری اسلامی ایران ۴۲ سال است در موضع رژیم تروریستی آمریکا تغییر نکرده و نخواهد کرد و جدا از هر نتیجه‌ای در این انتخابات مضحک ما با این رژیم بچتمان از سیاست جداست، ما با این رژیم پدر کشتگی داریم...۱۴۰۰:۱ ❤️

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | **محمدحسین فاتحی**

نوسته دانشجویی

از اسلام هراسی تا ادعای حقوق بشر

کافران می‌خواهند که نور خدا را با دهانشان (به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود) خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند. (توبه/۳۲)

توطئه فرانسوی صهیونیستی در ادامه موج سوم اسلام هراسی با دست درازی به آزادی بیان و کشیدن کاریکاتور نبی مکرم اسلام و همینطور به نمایش گذاشتن آن بر روی یکی از ساختمان های دولتی فرانسه طی ماه‌های گذشته و توهین به اسلام برخلاف دستورات ادیان الهی، از سوی برخی نشریات و مسئولان دولت فرانسه صورت گرفت. اهانت به پیامبر اسلام در ابتدا از مجله شارلی ابدو فرانسه شروع شد و طی هفته‌های گذشته و با حمایت امنوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از آن ادامه پیدا کرد. هتک حرمت رئیس‌جمهور فرانسه به ساحت پیامبر اکرم (ص) با واکنش‌های تند مسلمانان و جهان عرب و سران کشورهای اسلامی روبرو شد و همچنان ادامه دارد. این دسته از هتک حرمت‌ها نشان دهنده‌ی نیاز و لزوم جامعه‌ی اسلامی به وحدت است زیرا ما هر کجای تاریخ را که نگاه می‌کنیم، می‌توانیم به وضوح این موضوع را ببینیم که هر زمان که اندکی میان مسلمانان اختلاف افتاده است، دشمن به خود اجازه‌ی تعرض داده است. اینک موجی از اسلام گرای در کشور های غربی اروپایی دیده می‌شود و قطعاً انتظار مقابله‌ی دولت‌های استکباری می‌رود و زمانی که دست کافران و ظالمان خالی از دلایل عقلی و پاسخ‌های اقناع کننده باشد، ناچار به ترسیم بی‌شرم‌های کاریکاتور پیامبر اکرم روی می‌آورند. در آیه ۳۲ سوره توبه خداوند کلمه «پریدون» را آورده است که مضارع و به معنی استمرار بوده این بدان معناست که توطئه دشمنان بی‌وقفه و دائمی است؛ روزی با ریختن شکمبه‌ی حیوانات بر سر پیامبر و همراهان‌شان و روزی با کاریکاتورهای توهین آمیز.

اینگونه اعمال نشان دهنده‌ی خشم بی‌حد و اندازه‌ی کافران در ناتوانی برخورد با اسلام گرای جوانان است که موجب شده تپی بودن دست خود در مقابل سخنان شیوای اسلام را به نمایش عام و خاص بگذارند.

بر اساس تخمین آماری سازمان سیا و وزارت خارجه آمریکا، حدود ۱۰ درصد از جمعیت فرانسه را مسلمانان در بر می‌گیرند، حال آنکه با وجود ادعای دموکراسی حتی ۱ نماینده از مسلمانان در مجلس این کشور وجود ندارد! در سال ۲۰۱۶ بیش از چهار هزار نفر از مردم فرانسه به اسلام گرویدند و این در صورتی بود که مسلمانان فرانسه، شهروندان درجه دوم و سوم حساب می‌شدند و در مناطق فقیر نشین می‌زیستند، اما جامعه‌ی جهانی آگاه‌تر از آن شده که بتوان با حرف‌های پوچ و تو خالی سد راه تبلیغ پرمحتوای اسلام شد.

لازم است کنفرانس اضطراری اسلامی در واکنش به این موضوع تشکیل شود و نمایندگان کشورهای اسلامی طی جلساتی، در واکنش به هتک‌حرمت به ساحت پیامبر اسلام (ص) اقدامات اساسی بکنند. مقام معظم رهبری در واکنش به هتک‌حرمت به مقام پیامبر اسلام کاملاً هوشمندانه در پیامی خطاب به جوانان فرانسه چندین موضوع را مطرح کردند که می‌تواند سرآغازی برای آگاهی مردم اروپا به ویژه جوانان فرانسه باشد، هرچند که آن‌هایی که ادعای آزادی بیان داشتند این پست را حذف کردند اما هرگز نمی‌توانند نور خدا را با نفس‌هایشان خاموش کنند.

دانشجوی فلسفه دانشگاه | **محمد قانونی**

ادامه بحث روز

آمریکا بر ایران تأثیر دارد اما مسئله این‌جاست که این تأثیر منفی است. یعنی هیچ‌گاه ما تأثیر مثبتی از سوی آمریکا بر ایران ندیدیم و نخواهیم دید. آمریکا بر ایران تأثیر دارد اما انتخابات آمریکا بر ایران تأثیری نخواهد داشت. یعنی با آمدن فرد دیگر سیاست‌های کلی آمریکا تغییری نخواهد کرد.

جمهوری خواه یا دموکرات، فیل یا الاغ، ترامپ یا بایدن، هرکس بیاید هیچ توفیقی ندارد. ایراد اصلی، ریشه‌ای و سیستمی است. ذات سیستم و ساختار حکومتی آمریکا پلید و فعون پرور است و هرکس بیاید اقدامات خصمانه علیه ایران و تحریم‌های ظالمانه ادامه خواهد داشت و پرونده ایران همچنان باز است... چرا؟ چون هرکه آمد شر رساند...

یکی از اصلی‌ترین مشکلات جامعه ما ضعف حافظه تاریخی است و اگر حواسمان به همین مسئله نباشد باعث می‌شود کشور از یک سو راجح برای چندمین بار گزیده شود.

مسئله‌ی اعتماد به آمریکا در کشور ما مسئله‌ای تاریخی است. اگر به رفتار سیاستمداران غربزده کشور نگاهی بیندازیم و سبلی‌هایی که ملت بخاطر تصمیم اشتباه آن‌ها از آمریکا خورده است را به یاد بیاوریم، تاریخ به ما می‌آموزد.



تاریخ به ما ثابت می‌کند که اعتماد به آمریکا به طور مطلق اشتباه است. حال، این آمریکای ضعیف، آمریکایی که خودش درگیر بحران‌های جدی است، آمریکایی که به گفته برخی مهد دموکراسی است اما ضد دموکراسی‌ترین رفتارها را در آن مشاهده می‌کنیم، آمریکایی که مردمش از تبعیض نژادی به ستوه آمده و هر روز خیابان‌های این کشور شاهد اعتراضات گسترده آنان شده است، آمریکایی که ادعای آزادی فرهنگی‌اش گوش فلک را کر می‌کند اما مردمش از تعرض‌ها و تجاوزها به ستوه آمده‌اند، آمریکایی که بارها از اعتماد به او سیلی خوردیم، آمریکایی که بارها خصمانه‌ترین اقدامات را علیه جمهوری اسلامی انجام داده، چطور می‌تواند بر کشور ما تأثیر مثبت اقتصادی داشته باشد که همه و مخصوصاً مغزهای کوچک زنگ زده در داخل به انتخابات آمریکا چشم دوخته اند؟!

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | محمدمهدی انتظار

تحلیل و بررسی

حقوق بشر اسلامی در تقابل با حقوق بشر معاصر

درباره نسبت حقوق بشر معاصر و حقوق بشر اسلامی، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح گشته است. نظام‌های حقوقی سکولار، حقوق بشر را فرا دینی انگاشته و شریعت را صرفاً مربوط به امور اخروی می‌دانند لکن نظام حقوقی اسلام با اعتقاد به جامعیت دین، حقوق بشر را در چهارچوب درون دینی و در قلمرویی فراتر از محدودیت‌های بشری و به نوعی توأمان، دنیوی و اخروی می‌داند.

در حقیقت، رابطه حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر معاصر، رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ بدین شکل که در برخی حقوق، اتفاق دارند و در رابطه با تعاریف برخی از حقوق یا تفسیر و تحدید آنها نیز اختلاف دارند. همچنین باید به این نکته توجه داشت که پذیرش حقوق بشر اسلامی، لزوماً به معنای پذیرش مطلق حقوق بشر معاصر و یا انکار کامل آن نمی‌باشد.

حقوق بشر معاصر یا همان اعلامیه جهانی حقوق بشر، تنها یکی از مجموع حقوق بشری است که برای تدوین حقوق بشر جهانی، تنظیم شده است و پذیرش حقوق بشر اسلامی، به معنای غیر بشری و انسان‌شومول نبودن دیگر تدوین‌های حقوق بشر نیست؛ بلکه حقوق بشر اسلامی نوع کامل و حد اعلا حقوق بشر برای تمام انسان‌ها با دیدگاه انسان با هو انسان می‌باشد.

در تعریف حقوق بشر اسلامی باید گفت:

حقوق بشر اسلامی مجموعه‌ای از حقوق و امتیازهایی است که از سوی خداوند متعال در قالب احکام وضعی یا تکلیفی، وضع شده است؛ این حقوق برای همه انسان‌ها فارغ از تمایزات اعتباری و تکوینی، ارائه شده و الگویی منسجم، نظام‌وار و تجویزی سالم و کامل برای تعامل با بشر عرضه می‌کند.

بنابراین، حقوق بشر اسلامی، برای نوع بشر، ضروری است؛ زیرا حقوقی است که الله متعال، یعنی خالق کل مخلوقات و منبع هر خیر و سعادت و مهربانی، برای انسان قرار داده. فلذا کشف، تنظیم و تدوین حقوق بشر اسلامی بر ذمه فقها، عالمان و اندیشمندان مسلمان قرار دارد و بر عهده امت مسلمان است که آن را به جامعه جهانی ارائه کرده و برای اقتناع جهانی آن کوشش نمایند و بدینگونه به جای انفعال و تأثیرپذیری از حقوق بشر معاصر، به سمت تأثیرگذاری بر آن حرکت کنند. کاری که مدت‌هاست توسط اندیشمندان مسلمان، آغاز شده است و همچنان نیز ادامه دارد.

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | محمد فدایی فتوت

انفجار دانشگاه کابل جان پدر کجاستی؟

طنینی که تبدیل به یک فریاد فراملی شد ...

داستان از جایی آغاز می‌شود که پس از تراژدی دانشگاه کابل و جنایت فجیع عوامل تروریستی داعش، نسبت به جوانان دانشجوی افغان؛ امید مهربان از سوی رئیس دانشگاه، موظف شد تا وسایل شهدای دانشجو را تحویل بگیرد و این آغاز یک روایت بسیار تلخ است...

تمام گوشی‌های موبایل موجود در دانشگاه که متعلق به قربانیان این فاجعه بود به او تحویل داده می‌شود؛ تلفن‌هایی که همچنان زنگ می‌خورند و خانواده‌هایی که چشم انتظار فرزندان‌شان بودند. سپس از مهربان خواسته می‌شود که به تلفن‌ها پاسخ داده و خانواده قربانیان را مطلع سازد. وی در اینباره می‌نویسد: «متوجه تلفنی شدم که ۱۴۲ بار تماس گرفته و نهایتاً یک مسیج دریافت کرده بود؛ جان پدر کجاستی؟ چقدر سخت بود/است دیدن آن لحظه‌ها.»

هر چند که دین مبین اسلام، بارها و بارها بر وحدت امت تأکید داشته است ولیکن روه‌های افراطی نمی‌خواهند ندای «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» را بشنوند و در نهایت، همین افراط‌گرایی‌ها به گروه‌هایی مانند داعش ختم می‌شود؛ که به شهادت رساندن جوانان بی‌گناه را دارای اجر و ثواب و در هر جا که باشند، برای صیانت از اسلام و امت اسلامی حاضرند؛ روزی غربیانه در خان‌طومان سوریه و روزی دیگر، مظلومانه در دانشگاه کابل یا مرکز آموزشی کوثر دانش کابل و هزاران مورد دیگر. به امید روزی که نظام تکفیر و جنایت در تمام جهان، برچیده شود و دیگر شاهد شهادت مظلومانه مسلمانان نباشیم و این ظلم سازمان یافته جهانی علیه مسلمانان، پایان یابد. روزی که مسلمانان، برادرانه و یکصدا در کنار هم فریاد بزنند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، به جای آنکه غمزده از فاجعه‌ای اینچنینی بگویند: «جان پدر کجاستی؟»

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | محمد فدایی فتوت

خارج از دستور

زنده بمان...

سه و نیم شب است. خیلی شب. توی اتاقی سرد در گوشه‌ای از کابل زخمی و زیبا دراز کشیده‌ام، دندانم تیر میکشد، باتری گوشی رو به اتمام است، برق نیست، اینجا برق نمی‌رود فقط گاه‌گاهی می‌آید، از دور دست صدای لاییدن غمگین سگ‌ها می‌آید، چند ساعت دیگر خروس‌ها که بخوانند، خیل دوچرخه سوارهای کابل می‌زنند بیرون... زن‌های کابلی نمی‌توانند قرصی نان و مشتی بادام بچقه کنند و خندیدنا به مردشان بگویند: مراقب خودت باش... این جمله اینجا هیچ کارکردی ندارد.

تو از امروز دیگر رییس جمهور ایالات متحده نیستی. دیگر دوربین‌ها تحویل نمی‌گیرند، دیگر بیلت گلی رو نمی‌دارد... آن‌ان او در دنیا جایی بسیار دورتر از کابل و تهران و دمشق و بیروت و بغداد روز است. احتمالاً بیدار شدی، قهوه‌ات را نوشیده‌ای، صبحانه‌ای مفصل خورده‌ای و رفتی توی زمین گلف، همین روزها باید از اتاق بیضی خداحافظی کنی... خیلی دلم می‌خواهم بدانم از این به بعد آن دقایق قبل از خواب، آن یکی دو ثانیه‌ای که کله‌ات از پایین می‌رود توی تیشرت و از یقه بیرون می‌آید، آن ثانیه‌هایی که چشم بستنی زیر دوش که چشمت کف نرود به خون‌هایی که ریختی و خانواده‌هایی که بی مرد و مدد کردی فکر میکنی یا نه؟ تو دیگر مسترپرزدنت نیستی، تو دیگر هیچ چیز نیستی! کابل بی‌برق و آب و امنیت، تهران بی‌حاج قاسم و دارو و هسته‌ای... بغداد بی‌اومهدی و آسایش و بیروت بی‌گندم... پای همه‌اش امضای توست، چند هزار پدر دیگر به‌خانه برگشت؟ سعید میگفت ما توی افغانستان نظامی‌بازنشسته نداریم، همه کشته می‌شوند، چند دختر با سری شکوفه‌زده از گل‌دان پلیوری یقه‌اسکی مثل اناری از خورجین افتاد و دانه دانه شد... چند پدر پیامک داد: جان پدر کجاستی؟ چند پیامک و تماس بی پاسخ ماند... دست‌هایت را بوکن! این بوی خون و باروت و خاک است!، دیگر نه الکل بوی دست‌هایت را می‌برد نه گران‌ترین عطرها شرکت دخترت... آقای ترامپ من برای کسانی که #انسان را رعایت نمی‌کنند آرزوی طول عمر می‌کنم، آرزو میکنم اینقدر عمر کنند و اینقدر مهربانی ببینند که از عذاب وجدان دنبال سنگ باشند که دندانهای خودشان را خرد کنند و پیدا نکنند، از بس همه گل دستشان می‌دهند. امشب به دختری ایرانی فکر میکنم که نتوانست به ایران برگردد و پدرش دق کرد... به داروهایی که نگذاشتی بیایند و اینجا مادری آب شد جگرش، به زینب و فاطمه سلیمانی که تو پدرشان را کشتی... پدرمان را... به همه لبخندهای به جامانده از هواپیمای اوکراین... به صاحبان دمپایی‌های قرمز کف میدان آزادی کرمان در تشییع حاجی...

زنده بمان آقای ترامپ !!

زنده بمان جهان خیلی با تو کار دارد...

منتشر شده در کانال تلگرامی يك حامد عسکری معمولی | حامد عسکری

خارج از نشریه

مسابقه کتابخوانی با جوایز ارزنده

دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار می‌کند: **مسابقه بزرگ کتابخوانی مجازی**

ویژه دانشجویان و طلاب سراسر کشور؛ همراه با جوایز نفیس و ارزنده نقدی

منبع مسابقه از کتاب: **شیعه و سنی غوغای ساختگی**

مهلت ثبت نام: تا ۲ آذر ماه

جزئیات و مراحل شرکت در مسابقه را مطالعه نمایید:

Book.mazaheb.ac.ir



نوسته دانشجویی

توافق یا تقابل با وحدت

به دنبال پایان یافتن ایام بی‌بدیل محرم و صفر و عزاداری خالصانه خیل عظیمی از مردم بزرگوار مسلمان، در سال‌های اخیر شاهد هستیم که عده‌ای از روی محبت و علاقه خود به اهل بیت ائمه را تحت عنوان دهه محسنیه به عزاداری و سوگواری می‌پردازند.

با مراجعه به نظرات محققان در این حوزه، به این دست می‌یابیم که، تاریخ شهادت طفل بدینا نیامده حضرت زهرا، محسن بن علی علیه‌السلام به صورت دقیق در روایات و یا متون تاریخی، نیامده! مطلبی که بتوان گفت از ۲۸ صفر تا ۸ ربیع الاول ایام محسنیه باشد.

اما با مراجعه به نقل مشهور در این باره، در میابیم که ۳ روز پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، یک هجوم به بیت‌الزهرات توسط مأموران حکومتی وقت اتفاق افتاد، که از این جهت اگر به این نقل مشهور توجه کنیم به احتمال زیاد روز اول ربیع، حضرت محسن (ع) به شهادت رسیدند. برخی از منابع نیز، هجوم به بیت علوی را پس از بازگشت سپاه اسامه (که حدوداً یک ماه پس از رحلت رسول گرامی اسلام است) بنای شهادت آن حضرت نهادند.

همگی بر این امر واقفیم که، سیره اکثر مراجع و شیعیان در زمان‌های گذشته، بر داشتن دهه محسنیه نبوده. البته این نکته بسیار حائز اهمیت است که شهادت حضرت محسن حقیقتی انکار ناشدنی است، اما باید توجه داشت که ایام محسنیه در هیچ یک از روایات اهل بیت سفارش نشده و سند معتبری در روایات بر این امر نداریم.

این اتفاق بعد از پایان ۲ ماه عزاداری مسلمین، به نوعی افراط در عزاداری‌ها به شمار می‌آید، که ممکن است به تفریط عده‌های دیگر بینجامد، حال آنکه اسلام دین تعادل و میانه روی است. و این افراط‌ها در عزاداری زمینه هتک حرمت را فراهم می‌کند! دامن زدن به این دهه، در این ایام خاص، به نوعی مهتیا کردن موقعیت برای دشمنان به منظور ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی است! ماه ربیع الاول ماه آغاز شادی و سرور مسلمانان از جمله شیعه و سنی است. در ابتدای این ایام بنا به فرموده مقام معظم رهبری از تاریخ دوازدهم ربیع الاول که تاریخ ولادت نبی اکرم (ص) به نقل برادران اهل سنت است، تا تاریخ ۱۷ ربیع الاول که ولادت ایشان به نقل برادران شیعی است، هفته بی نظیر وحدت را شاهدیم، که تجلی اسلام ناب محمدی در میان مسلمانان است.

مقام معظم رهبری در رابطه با این هفته می‌فرمایند: «این یک نام گذاری محض نیست؛ یک حرکت سیاسی و تاکتیکی هم نیست؛ این یک اعتقاد و ایمان قلبی است.» (۱۳۹۸ / ۰۸ / ۲۴)

اسلام دین عظیم، با پایه‌هایی استوار است، که دشمنان فریب‌کار و منافق را ترغیب می‌کند تا به مقابله با مسلمین و تفرقه افکنی میان شیعه و سنی، نه تنها به دلایل مادی، بلکه بعضاً به دلایل هویتی و تعصبات عقیدتی و نژادی و... بپردازند.

همه ما مسلمین به این امر واقفیم که رسول گرامی اسلام (ص)، به عنوان آخرین پیام آور خالق یکتا، به سوی قبله‌ای واحد، به همراه کتابی آسمانی که بی شک بهترین و ارزشمندترین معجزه جهانیان است، برای هدایت تمامی جهانیان برگزیده شدند.

همان گونه که درسوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۳ میخوانیم: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَ هُمْ كَذَلِكَ يَرْجِعُونَ» (قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنی، و پراکنده نشود.

دانشجوی علوم قرآن | محدثه نوبتی

هفته بسیج گرامی باد

أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

بسیج معبری است برای رسیدن به اخلاص و حرکت در مسیر حق تعالی بی مزد و ریا

۵ آذر روزی است که لشگری مخلص و حزبی برای خدا علیه شیطان تشکیل شد؛ همان لشگری که به گفته قرآن حقیقتاً به خدا و روز آخر ایمان دارد و با هر کسی که با پیامبر و خدا بخواد دشمنی بکند به شدت برخورد می‌کند و کاری ندارند که برادرشان باشد پدرشان باشد و یا کدخدا باشد هر کس که با خدا و پیامبرش دشمنی کند این حزب در برابر آن محکم خواهد ایستاد. این‌ها همان‌هایی هستند که هم خدا از آن‌ها راضی است و هم آن‌ها از خدا راضی‌اند و بی‌تردید لشکر پیروز همین حزب خدا اند. به فرموده امام راحل بسیج قرار نیست در حوادث به کار آید بلکه بسیج نیرویی است که اصلاً نمی‌گذارد حادثه به وجود بیاید.

این لشکر بیست میلیونی از هر قشر و با هر تخصصی که باشد از آن حرفه در جهت رسیدن به حق تعالی و گام نهادن در مسیر فرج استفاده می‌کند حال چه دانش‌آموزی باشد چه حوزوی یا دانشجویی.

به فرموده امام راحل بسیج دانشجویی و بسیج حوزه وظیفه ارتزاق فکری دیگر اقشار بسیج را بر عهده دارد که مسئولیتی بسیار سنگین بر دوش خادمان آن است.

ارتزاق فکری بدین معناست که راهبری این لشکر بیست میلیونی و چگونگی حرکت در نقشه راهی که مقام معظم رهبری تعیین نموده‌اند برعهده این دو قشر است. به گونه‌ای که مقام معظم رهبری دشمن شناسی و چگونگی مقابله با آن را یکی از وظایف مهم بسیج دانشجویی نام برده‌اند لذا امیدواریم بتوانیم با هوشیاری در برابر حزب شیطان بایستیم و او را شکست دهیم که این وعده الهی است.

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | علی‌اصغر رضوانی

بسیج؛ لشکر مخلص خدا

نام بسیج یاد آور زنان و مردانی است که روحی به پهنای زمین و همّتی به بلندی آسمان داشتند و در طول هشت سال دفاع مقدس حماسه‌ها آفریدند. همان‌ها غیور مردانی که خود را روی مین می‌انداختند تا برای هم‌زمان‌شان معبر باز کنند، همان‌هایی که برای شناسایی به دل آب زدند و هرگز برنگشتند؛ همان فرماندهانی که در دل شب پوتین سرباز هایشان را واکس می‌زدند و همان شیر زنانی که گاه در کسوت پرستاری و گاه با بافتن شال و کلاه برای کمک به رزمندگان دژه از توانشان مضیقه نمی‌کردند و آنان که یک عمر چشم به راه عزیزانشان رنج‌ها کشیدند.

درود خدا بر تمام آنان که از خواسته‌های خویش گذشتند تا دیگران در آرامش باشند، امید که قدردان این فداکاری‌ها باشیم و ادامه دهنده راهشان تاشمرنده آنها نگردیم.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ...» (توبه/۳۸) ای کسانی که ایمان آوردید چه شده شمارا هنگامی که به شما گفته می‌شود در راه خدا حرکت کنید به دل‌بستگی‌های خود چسبیده آید و سستی می‌کنید.

«نفر» یعنی جنبیدن، حرکت کردن و پیش‌تاز بودن واژه‌ای که می‌تواند معادل بسیج باشد. بسیجی یعنی کسی که وقتی در جایی کمبودی می‌بیند و می‌داند که با وجود او این نیاز برطرف می‌شود بی درنگ قدم بر می‌دارد آن هم بدون هیچ چشم داشتی، نه توقع مالی دارد، نه موقعیتی، نه جاه و مقامی و نه قدرتی چرا که این اقدامش را فقط و فقط برای خوشنودی خداوند انجام می‌دهد و عملش خالصانه است. حال این عرصه‌ی تلاش و جهادش می‌تواند علمی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، در عرصه سازندگی و... باشد. مرزهای جغرافیایی هم نمی‌تواند مانع این جهاد باشد، در هر جایی انسان‌هایی نیاز به کمک داشته باشند او وظیفه خود می‌داند در صحنه حاضر باشد و از بذل جان و مالش دریغ نکند: «...جَهْدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه/۴۱)

امام راحل عظیم الشان فرمودند بسیج لشکر مخلص خداست. با آرزوی توفیق و ثبات قدم برای تمام بسیجیانی که برای رسیدن به اهداف متعالی از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کنند...

دانشجوی علوم قرآن | محمدهادی فتح‌اللهی



نوسته دانشجویی

و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین

اخيراً شاهد آن بودیم که رئیس‌جمهور فرانسه به ساحت مقدس پیامبر اکرم(ص) توهین کرد. این اقدام وی نه فقط اقدامی بر علیه اسلام و مسلمانان بلکه اقدامی بر علیه جهان خلقت است. زیرا به کسی توهین کرد که خداوند ایشان را رحمتی برای عالمین فرستاده است و اما عالمین یعنی چه؟

عالمین جمع عالم است و عالم مشتق از علامت و علامت به معنی نشانه است و موجودات و مخلوقات نشانه‌هایی هستند که بر خالق عالم دلالت می‌کنند لذا هر کدام از مخلوقات چه گیاه و چه جاندار و چه جمادات عالمی هستند و جمع این‌ها می‌شود عالمین و حضرت ختمی مرتبت رحمتی برای عالمین است. مکرور با این اقدام خود نه فقط اقدامی بر علیه بشریت بلکه بزرگتر از آن اقدامی بر علیه جهان خلقت انجام داده است.

این اقدام بیانگر آن است که نسبت به پیامبر رحمت (ص) یا شناخت و آشنایی ندارد یا شناختی که دارد ناقص است و لذا توصیه ما این است که زندگی سراسر نور و رحمت پیامبر اسلام(ص) را فقط یکبار مطالعه کند تا بداند و بفهمد این چنین شخصیتی نه تنها سزاوار توهین و افترا نیست بلکه سزاوار اکرام و احترام نیز می‌باشد.

رئیس‌جمهور فرانسه این مطلب را که یک نمونه از صدها نمونه است هم از تاریخ اسلام بخواند:

روزی ابوسفیان یکی از یاران پیامبر (ص) را اسیر کرده بود و در گوش او گفت: تو را به خدا قسم می‌دهم راستش را بگو، آیا دوست داری الان محمّد به جای تو می‌بود و تو آسوده در کنار خانواده‌ات بودی؟ آن شخص جواب داد: به خدا قسم نمی‌خواهم الان محمّد در هر کجا که هست خاری به پایش بچکد و من در کنار خانواده‌ام آسوده باشم.

امروزه نیز که حدود ۱۴۳۰ سال از رحلت جانگداز پیامبر اکرم(ص) می‌گذرد و ما پیامبران را ندیده‌ایم و فقط اوصاف و رفتار و کلام گوهربارش را شنیده‌ایم دوست داریم هر چه داریم بدهیم تا لحظه‌ای آن سراج منیر را ملاقات کنیم و همچنین حاضر نیستیم که کوچک ترین بی‌ادبی یا توهین به ساحت مقدس آن حضرت صورت گرفته و اموال و جان‌ها و آبرو و خانواده‌هایمان سپری در دفاع از شأن والای رسول الله می‌باشد.

امید است که کشورهای اسلامی و تک‌تک ما مسلمانان بعد از این بیش از پیش به وظیفه‌مان که تبیین آموزه‌های رحمانی اسلام و معرفی شخصیت والای پیامبر نور و رحمت است مبادرت ورزیم. از خداوند می‌خواهیم که نور هدایت و محبت امام‌الانبیاء را در سرزمین قلب مردم جای جای جهان جای دهد.

دانشجوی فقه و حقوق دانشگاه | **ادریس واحدی**

کفرنامه

آچار محمدی

همه می‌گند پاییز قشنگ‌ترین فصل ساله ولی همه اشتباه می‌کنند! ناسلامتی ما یک عمره دانشجوی علوم‌قرآنییم دیگه انقدری حالیمون هست که (أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ)، پس با اختلاف، تابستان قشنگ‌ترین و جذاب‌ترین فصل ساله علی‌الخصوص تیرماه‌ش. شاید بهترین روز سال شش تیر باشه، حالا عده‌ای افراد که احتمالاً توهم توطئه دارند و درون زندگی اشخاص دیگر سرک می‌کشند و به جست‌وجو و کنکاش می‌پردازند و دنبال این هستن که برای هر چیزی یک دلیلی پیدا کنن، میان و می‌گن چون تولد من روز شش تیره این حرف‌ها را دارم می‌زنم درحالی که به هیچ وجه این طور نیست و دلیلی داره فراتر از این مسائل سطحی (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)، بذارید یک اعتراف کنم! صد سال پیش وقتی هنوز سی سال رو رد نکرده بودم و اول جوانی و اوج آمادگی جسمانیم بود (وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ)، میونه کوچه پس کوچه‌های خیابان نوفل‌لوشاتو تهران عاشق شدم!

قلم زدن درباره عشق کار من نیست، یعنی حداقل تو این صد سال اول زندگی اونقدری مهارت پیدا نکردم که بخوام از مفهوم والای عشق براتون بنویسم، خدا را چه دیدی شاید در آینده نوشتنم، فعلاً از قلم زدن به قدم زدن بسنده می‌کنم! اون هم نه هر قدم زدن! (وَلَا تَمَسُّ فِي الْأَرْضِ مَرَجًا) قدم‌هایی که یکی از یکی جذاب‌تر جدا می‌شد و در فاصلهای کمتر از نیم متر در مسیر مشخص و ثابت فرود می‌اومد و صدایی گوش نواز که از برخورد پاشنه کفش‌ها به موزائیک‌ها بلند می‌شد "تق" حالا کافی بود کمی وقت بگذاری و دنباله این ساق پاها را بگیر و بالا بیایی، هوش را وقتی از سرت می‌پروند که افق دیدت با خط رز قرمز و موهای بلوند و ته چهره دو رگه‌ی اروپایی آسیایی توی یک راستا قرار می‌گرفت! (حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً).

همین چندتا کفایت می‌کرد تا هر روز ۵ صبح ساعت رو کوک کنم که از میدون خراسون با دو برسم تقاطع ولی‌عصر نوفل‌لوشاتو و بساط رو پهن کنم و شروع کنم به داد زدن (بفرما صبحونه، چایی فقط ده هزار) و وقتی با شکست اقتصادی مواجه می‌شدم که حتی یک مشتری هم حاضر به خرید صبحانه ده هزار تومنی نبود، نوبت اون می‌شد که منظر بپنوم تا کارمند مترجم سفارت فرانسه بخواد مثل هر روز اون خیابون‌ها رو متر کنه و سفر پر ماجرام رو پشت سرش آغاز کنم (أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَأَسَبَّةً فِتْنًا جَزُوا فِيهَا).

امان از اون لحظه‌ای که اتفاقی گوش‌هام سختی می‌شنید از دهن گهر بار فخر السفارت فرانس! در آن حرّ و حرارت تابستون و صدای آن جوب‌هایی که آب را درونش رها کرده بودند تا به درختای بدون میوه‌ی بلند آبرسونی کنه(جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) من خدا خدا می‌کردم که لحظه‌ای گوشی موبایلش زنگ بخوره و طلعت زمین در پاسخ شخصی که احتمالاً از اون طرف کره خاکی در کشور عاشقانه‌ها و زهای خوش‌بو بهش زنگ زده، یک "بونزو موسیو" تحویل بده! که اگر این چنین می‌شد دیگه نه خدا و نه شیطان و نه هیچکس رو بنده نبودم و مصداقی بودم بر (صُمُّ بَكْمُ عُمِّي فَهَمُّ لَابِقُفْلُونَ) اون روزها برام هیچ چیز مهم نبود جز دخترک تا آرام آرام به پاییز رسیدیم...

القضه که خدا لعنت کند نشریه شارلی ابدو را از نویسندش گرفته تا کاریکاتورپرستش و سر دبیرش و حتی مسئول نظافت دفترشون و همه و همه! برای همه‌شون چند روز ختم لعن گرفته بودم(أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ) نامردها اومده بودن و کاریکاتور پیامبر را کشیده بودن و از بخت بد من دقیقاً در همون روزها رئیس‌جمهور فرانسه کشمش خورده و گرمیش کرده بود و یادش افتاده بود که باید از آزادی بیان و این جور چیزها دفاع کنه. همین شد که این طرف کره خاکی بچه‌های بسیجی خون‌شون به جوش اومده بود نتونسته بودند تحمل کنند و ریخته بودند جلوی سفارت فرانسه (فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ).

چه روزهای سخت و طاقت فرسایی شده بود! علی‌رغم میل باطنیم باید از بین طنّازی و عشوه دخترک مترجم یا رفاقت با عماد یکی را انتخاب می‌کردم! من هم که اهل رفاقت و مرام! واقعاً آن روزها در تب می‌سوختم و کسی هم نبود که برارش درد و دل کنم و دلداریم بده! به هر زحمتی بود حاج‌عماد را انتخاب کردم! نمی‌شد بالاخره ما را عمری با نون و نمک رفاقت بزرگ کرده و بهمون درس و مشق وفا داده بودند!(الْأَخْلَاءُ يُؤْمِنُ بِغَضَبِهِمْ لِيُغِضَ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ).

میون دعوا ولی هرطور که بود سعی می‌کردم قائله خاتمه پیدا کنه! یک خری آن سر دنیا یک خرتی کرده! شما چرا خشمگین می‌شوید؟! رقتم و میکروفون را از اسپرک عصبانی فحاش که هی شعار می‌داد "مرگ بر فرانسه" گرفته؛ خیر سرم می‌خواستم دعوا را تمام کنم و همین شد که شعار را کمی نرم ترش کردم و همه جمعیت باهم فریاد می‌زدیم "فرانسه دقت کن" (وَ الَّذِينَ يَحْتَبِئُونَ كِبَارًا إِلِيمٌ وَ الْأَوْحِاشِ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ).

همه چیز را تقریباً مدیریت کرده بودم که یکدفعه نمی‌دونم از کجا یک ایده عجیب و غریب به ذهن عماد اومد! میکروفون رو گرفت و گفت حضار محترم ما باید به نشانه اعتراض نام این خیابان را از نوفل‌لوشاتو به حضرت محمد صلی الله تغییر بدیم و همه جمعیت ناگهان یک‌صدا صلواتی محمدی پسند ختم کردند!(أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟)

چشم‌تون روز بد نبینه! تغییر نام خیابان همانا و عصبانی شدن کارکنان سفارت فرانسه همان! بالاخره هرچه که باشد این مسئله بسیار برای فرانسوی‌ها مهم بود و از استراتژیک‌ترین اتفاقات در تاریخ معاصر آن زمان فرانسه می‌توان به نام‌گذاری این خیابان اشاره کرد! این حرکت حرکت معمولی‌ای نبود و شاید یکی از بدترین ضربه‌هایی بود که می‌شد به فرانسوی‌ها زد! (يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ). فرانسوی‌ها هم که از این حرکت خون‌شون به جوش اومده بود سه فروند جت جنگنده داسو رافال را بر روی خلیج فارس به پرواز درآوردند!(وَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ).

اما چه بگویم که دولت خودشیفته و غرب‌زده آن زمان که سردمدارش دکتر روحانی بود بعد از اینکه سازمان ملل میان ایران و فرانسه برای خاتمه دعوا میانجی‌گری کرد به راحتی آب خوردنی مسئله را پایان داد و بخاطر این حرکت آتش‌به‌اختیار بچه‌های کف میدون عذرخواهی کرد!(وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الشُّنَاقَاتِ وَ الْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا).

عماد را دستگیر کردن و به سفارت فرانسه تحویل دادن! یک هفته نشد که به سراغ من هم اومدن و من را هم دستگیر کردن! سال‌ها بعد در زندان باستیل فرانسه یکی از هم‌بندیم‌هام برام تعریف کرد که همون دخترک مترجم وقتی عکس من را میون معترضین تجمع اون روز دیده بود چه‌پرهام را که روزهای قبل از سر خیابان ولیعصر تا ورودی سفارت تعقیبش می‌کردم به یاد آورده بود و همین باعث شده بود که من رو هم دستگیر کنند. توی تاریخ عمومی دروس دبستان فرانسه هم این واقعه تلخ را ذکر کردند و نوشتند دو چیز خط قرمز ملت فرانسه است یک اسم خیابون نوفل‌لوشاتو و یکی هم آچارفرانسه! این دوتا از ناموس هم برای فرانسوی‌ها مهم‌تره و باید تا خون در رگ‌شون هست از سر مراقبت کنند... لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْهَاتَا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمُنْجُونِينَ؛ صدق الله العلی العظیم